

ورزش، هنر حرکتی

گپ و گفت وگو با دکتر مهدی نمازی زاده پدر تربیت بدنی آکادمیک ایران

اشاره

تاکید سردبیری مجله بر آن است که با استادان تربیت بدنی بیشتر گفت و گو شود و در این کار ترجیحاً افرادی مورد مصاحبه قرار گیرند که تجربه‌ی «معلم ورزش» بودن را داشته، و به قولی یا مدرسه و مسائل مربوط به آن آشنا باشند. بدین منظور، فهرست بلندبالایی از استادان این رشته تهیه کردیم. اما مشکل موفقی بروز کرد که در میان آن‌ها، حتی به تعداد انگشتان یک دست نمی‌شد افرادی را انتخاب کرد که هم معلم ورزش بوده، و هم در دانشگاه تدریس کرده‌های متفاوت دانشجوی تربیت کرده باشند؛ و آقای دکتر مهدی نمازی زاده یکی از این استادان انگشت شمار است. به هر ترتیب، شماره‌ی تلفن ایشان را به دست آوردیم و تماس گرفتیم و بعد از چند روز موفق شدیم، قرار مصاحبه‌ای بگذاریم؛ بعد از ظهر یک روز پانزدهم در دانشگاه شهید بهشتی و در دفتر ایشان دکتر نمازی زاده منتظرمان بود. به همراه عکاس مجله وارد شدیم و مورد استقبال گرم و صمیمی دکتر قرار گرفتیم. یک اتاق بسیار ساده، با میزی که روی آن رایانه قرار داشت، کتابخانه‌ی مختصری بر گوشه‌ی اتاق که کتاب‌های مورد نیاز دکتر را در دل خود جای داده بود، و چند تا صندلی. عکاس چند عکس گرفت و رفت و حالا شرایط یک گپ و گفت وگو صمیمی برای من فراهم بود. دکتر سخن خود را با بیانی بسیار ساده چنین آغاز کرد:



«دستان قدسیه» اصفهان که هم سطح با مدرسه‌ی علوی تهران بود، سپری کردم. این مدرسه توسط سه برادر اداره می‌شد که خوش نویس قرآن بودند. پس از گذشت سال‌ها، ساختمان این مدرسه در حال حاضر دفتر آیت‌الله مظاهری است. من از دوره‌ی اول دبیرستان (سیکل اول) به ورزش‌های توپی مثل بسکتبال، فوتبال و والیبال علاقه مند شدم و به

من دکتر مهدی نمازی زاده، ۶۷ سال دارم و خداوند سه فرزند پسر به من عطا کرده است که دو تای آن‌ها تحصیلات دانشگاهی را گذرانده‌اند و آخری محصل است. دو نوه‌ی پسر هم دارم. خودم نیز در یک خانواده ده نفری بزرگ شده‌ام، پدر، مادر و هشت فرزند؛ دو برادر و شش خواهر که بنده آخری هستم. تحصیلات دوره‌ی ابتدایی را در



دبستان و در فعالیت‌های حرکتی با دانش‌آموزان همراه بودم و سپس به مدت طولانی‌تری در دوره‌ی راهنمایی و متوسطه این فرصت را داشتم، خاطرات خوب و ارزشمندی دارم و خوشبختانه تجربه‌های زیادی به دست آوردم؛ تجربه‌هایی که در دوره‌ی دکترای بسیار به من کمک کرد.

نظرتان راجع به ورزش مدرسه‌ها چیست؟

به لحاظ تاریخی، هنوز جایگاه خود را پیدا نکرده است و برای رسیدن به آن، مراحل زیادی را باید طی کنیم. اگر بگوییم متولیان و مسؤولان تربیت بدنی، برنامه‌های لازم برای اوقات فراغت را در نظر نگرفته‌اند، گزاره نگفته‌ایم. تمدن زاینده‌ی اوقات فراغت است. ورزش و تربیت بدنی یکی از بهترین ابزارهای پر کردن اوقات فراغت است و می‌تواند منشأ فعالیت‌های بزرگی باشد. به این موضوع باید پیش از دبستان اهمیت داده شود و با برنامه‌ریزی اصولی، امکانات حرکتی کودکان را بیش‌تر کرد. به دوره‌ی دبستان که پایه محسوب می‌شود، باید اهمیت بیش‌تری بدهیم و الفبای مهارت‌های ورزشی را در این دوره به دانش‌آموزان بیاموزیم. این نقطه ضعیفی است که وجود دارد و ما می‌توانیم با انجام مسابقات مناسب، در کودکان انگیزه ایجاد کنیم.

ولی آموزش تربیت بدنی، به خصوص در دوره‌ی راهنمایی و دبیرستان، باید برجسته‌ی شناخت استوار باشد و چنانچه بتوانیم ذهنیت بچه‌ها را شکل بدهیم، مشکل کم‌تر خواهد شد. می‌توان به صورت بازی و تفریح، کمبود کتاب‌های تربیت بدنی در دوره‌های راهنمایی و دبیرستان را برطرف کرد؛ هرچند لازم است، راهکاری اساسی اندیشید.

ارتباط تربیت بدنی در آموزش و پرورش را با تربیت بدنی در آموزش عالی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ارتباطی وجود ندارد و نبود ارتباط به دانشگاه مربوط می‌شود. بخشی از مشکل برمی‌گردد به نحوه‌ی پذیرش دانشجو برای رشته‌ی تربیت بدنی که باید برای آن برنامه‌ریزی



صورت جدی آن‌ها را ادامه دادم؛ به طوری که در اکثر مسابقات رتبه‌ی اول را کسب می‌کردیم. دیپلم کامل را از «مدرسه‌ی سعدی» اصفهان گرفتم و سپس در رشته‌ی تربیت بدنی وارد دانشسرای عالی شدم. طی سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۸ در تهران فعالیت ورزشی داشتم و به تیم‌های ملی بسکتبال و والیبال راه یافتیم که جا دارد، از مری خویم مرحوم جبارزادگان که بخش اعظم رشد و شکوفایی خود را مدیون ایشان می‌دانم، یاد کنم.

در سال ۱۳۴۰ دوره‌ی لیسانس را با اخذ رتبه‌ی اول به پایان رساندم و پس از آن، به مدت دو سال در مدرسه‌های اصفهان در سمت دبیر ورزش مشغول به کار شدم که از شیرین‌ترین دوران زندگی‌ام به شمار می‌آید. پس از این، براساس قانون اعزام به خارج دانشجویان رتبه‌ی اول، به آمریکا اعزام شدم و مدرک فوق لیسانس خود را از «دانشگاه ایالتی یوتا» و مدرک دکترای تربیت بدنی‌ام را از «دانشگاه ایالت مریلند» کسب کردم. و به دلیل عشق و علاقه‌ی خاصی که به کشور عزیزم ایران داشتم، در سال ۱۳۶۹ به کشور باز گشتم.

گفتید که معلم ورزش هم بوده‌اید، لطفاً از آن زمان برایمان بگویید؟

شغل معلمی به طور اعم و معلمی ورزش به طور اخص، فرصت خوبی است برای آموزش دانش‌آموزان و کمک به شکل‌گیری شخصیت آنان. بنده از آن مدت کوتاهی که در

به دوره‌ی دبستان که پایه محسوب می‌شود، باید اهمیت بیش‌تری بدهیم و الفبای مهارت‌های ورزشی را در این دوره به دانش‌آموزان بیاموزیم



از معلم
تربیت بدنی
انتظار می رود
که مثل
هنرمند،
خودش
صاحب هنر
حرکتی باشد و
حرکات را به
خوبی نمایش
بدهد

شود و توانایی های حرکتی، و استعداد تحصیلی داوطلبان رشته ی تربیت بدنی مورد توجه قرار گیرد. یک بخش دیگر این است که چون در نظام آموزش و پرورش، فعلاً در خصوص ورزش قهرمانی و استعدادیابی، آن گونه که لازم است، اقدامی نمی شود، قاعدتاً بچه هایی که در رشته های گوناگون ورزشی در دانشگاه فعالیت می کنند، خیلی زود به سقف می رسند و به لحاظ آن که مطالبات آن ورزش از نقطه نظر اضطرابی درونشان به وجود نمی آید، پیشرفتشان محدود می شود؛ تا یک جایی که می بینیم، یکی از دلایل عقب ماندگی ورزش قهرمانی ما، همین نبود ارتباط فرایند استعدادیابی و تربیت استعداد های ورزشی در همه ی سیستم های آموزشی مان، از جمله آموزش و پرورش، آموزش عالی و باشگاه هاست.

- برای نزدیک تر شدن این بخش ها چه پیشنهادی دارید؟

پیشنهاد من این است که از یک طرف، استادان دانشگاهی همکاری شان را با واحدهایی که مسؤلیت تدرستی و سلامت جامعه را به عهده دارند، بیش تر کنند. بخش های گوناگون استعدادیابی هم همین طور باید عمل کنند. فکر می کنم لازم است، رشد ورزشی را با برنامه ریزی دقیق تر و با استمرار بیش تر، تا پس از دوران دبیرستان ادامه دهیم و داوطلبانی که قرار است در رشته ی تربیت بدنی تحصیل کنند، خیلی زودتر آموزش خود را آغاز کنند، تا در دانشگاه، در واقع به مراحل فوق العاده پیشرفته تر برسیم. از



لحاظ متدولوژی تدریس، توانایی های اجرایی خود معلمان بسیار اهمیت دارد، چون معمولاً در رشته ی تربیت بدنی، یک مدل یادگیری اجتماعی خود معلم است و از او انتظار می رود که مثل هر هنرمند دیگری، خودش صاحب هنر حرکتی باشد و حرکات را به خوبی نمایش بدهد. در این دوره ی کوتاه کارشناسی، ما فرصت نداریم افراد مبتدی در زمینه های مهارت های حرکتی را به مراتب و مراحل بالای مهارت برسانیم.

- جدی نگرفتن درس تربیت بدنی در آموزش و پرورش از سوی اولیا را چگونه ارزیابی می کنید و این مشکل به کدام بخش مربوط می شود؟

ببینید، مواد درسی چند شاخص دارند: متون علمی، متدولوژی تدریس، معلم خوب، و امکانات و وسایل. متأسفانه، اگر شما این شاخص ها را در درس تربیت بدنی و ورزش دنبال کنید، می بینید ما به لحاظ متون علمی، کتاب های اختصاصی ورزشی زیادی برای دوره های گوناگون تهیه نکرده ایم. از طرف دیگر، فقدان امکانات و تجهیزات سخت افزاری برای اجرای درس ورزش، دست معلمان را می بندد. فعالیت های معلمان تربیت بدنی خیلی محدود است و فضایی که در اختیار دارند، منحصر است به یک حیاط کوچک در مدرسه. معمولاً در کشورهای پیشرفته، ساختمان مدرسه، ساختمان کوچکی است در گوشه ی یک میدان چند هزار متری که فعالیت های ورزشی درونش شکل می گیرد. حالا این را مقایسه بکنید با وضعیت مدرسه های خودمان؛ به خصوص مدرسه هایی که ساختمانشان واقعاً مدرسه ای ساخته نشده است و از مکان های استیجاری استفاده می کنند. طبعاً دیگر امکانات در آن جا صفر است و اگر باشد هم، خیلی محدود است؛ در حالی که ماهیت درس ورزش می طلبد که فضای بیش تری، حداقل دو تا سه متر، برای هر دانش آموز وجود داشته باشد. طبق آمار موجود، فکر نمی کنم این فضا حتی به بیش از ۴۰

سانتی متر برسد.

من در سال ۱۳۵۵ تحقیقی در دو استان سیستان و بلوچستان و تهران انجام دادم که بخش مهم آن، اندازه گیری سرانه ی فضاهای ورزشی بود. در آن موقع در تهران، اگر دانش آموزان می خواستند در فضاهای ورزشی فقط بایستند، به اندازه ی سطح کف پاهایشان فضا نداشتیم. الان هم فکر نمی کنم خیلی بیش تر از آن مقدار شده باشد، چون رشد جمعیت دانش آموزی ما خیلی زیادتر شده و به ازای رشد جمعیت، توسعه ی مدرسه ها چشمگیر نبوده است.

- بهترین و بدترین خاطره ی زندگی تان چیست؟

خاطرات خوب و بد من، همه اش برمی گردد به شغلم، چون از بچگی به آن علاقه مند بودم و موقعی که در کنکور شرکت کردم، همان سال اولی که کنکور دادم، قبول شدم. خاطره ی بدم هم این است که یک وقتی کاریکاتوری در روزنامه ای چاپ شده بود که در آن عنوان شده بود، معلم ورزش مدرسه دیر آمده بود و مدیر مدرسه، بابای مدرسه را مأمور کرد که کلاس درس ورزش را اداره کند. پیش خودم فکر کردم، مگر بابای مدرسه هم می تواند کلاس درس ورزش را اداره کند؟ این نشان می دهد که ما تا رسیدن به شرایط تخصصی در این حرفه واقعا راهی طولانی در پیش داریم.

- بهترین و بدترین خاطره ی ورزشی شما چیست؟

یکی از خاطرات خوب ورزشی ام مربوط به دورانی است که در تهران در «باشگاه بوستان ورزش» تحت مربیگری آقای جبارزادگان ورزش می کردم. باشگاه های بوستان ورزش، تاج و دارایی سابق زقبای مهم بودند و ما سه دوره قهرمان باشگاه های ایران شدیم. دوستانی که در آن باشگاه داشتیم، هنوز هم بهترین دوستانم هستند. دوستی ام با آقای تعمیدی از آن تاریخ شروع شده است و هنوز هم ادامه دارد.

- نظرتان را در خصوص قهرمانان ورزشی بیان کنید؟

ببینید، هر پدیده ی هنری - من ورزش را واقعا نوعی هنر حرکتی می دانم - به زحمت و مشقت زیادی احتیاج دارد. در ایران، قهرمان ورزشی شاید به طور متوسط هشت تا ده سال باید تلاش کند و از همه چیز خود بگذرد تا به مرحله ی قهرمانی برسد. به همین دلیل، به نظر من قهرمانان می توانند الگوهای بسیار خوبی در سختکوشی، تلاش و رسیدن به هدف ها تلقی شوند و وقتی به این مرحله می رسند، باید از

نقطه نظر شغلی و از نظر اجتماعی امنیت داشته باشند و از نظر اقتصادی، محتاج نباشند.

حتی به نظر من، قهرمانان ما باید بتوانند، از فرصت های تحصیلی در همه ی رشته های دانشگاهی برخوردار شوند. اگر واقعا قهرمانی استعداد دارد که مهندس بشود، یا علاقه مند است پزشکی بشود، باید بشود. این طور نشود که یواش یواش اغلب قهرمانان ما افرادی باشند که تحصیلات عالی ندارند، یا حتی در سطح دبیرستان هم چندان موفق نیستند و در نتیجه، این برجسب به ورزش بخورد که هر کس ورزش می کند، سواد یا تحصیلات عالی ندارد.

- به کدام رشته ی ورزشی علاقه مندید و چرا؟

من اکثر رشته های ورزشی را برای آشنا شدن و تفریح انجام داده ام و خوب می دانید که هر دوره ی زندگی آدم می تواند جوایگوی مطالبات ورزشی خاصی باشد. در شرایط فعلی، شنا را بیش تر، و تیس را به عنوان فعالیت ورزشی انجام می دهم. ولی ورزش هایی را بیش تر دوست دارم که ماهیت ادراکی، ذهنی و ورزشی در آن ها به طور درهم آمیخته وجود دارد و صرفا تلاش جسمی نیستند؛ مثل بسکتبال.

- کدام یک از قهرمانان ورزشی را دوست دارید؟ چرا؟

قهرمانان خوب زیاد هستند و در رشته های گوناگون فعالیت می کنند، منتهی من فکر می کنم که قهرمان باید در چند زمینه قهرمان باشد؛ هم در زمینه های اخلاقی و انسانی، هم در زمینه ها و فعالیت های اجتماعی، و هم در زمینه ی فعالیت های ورزشی. معمولاً این گونه قهرمانان، پهلوانان و افرادی هستند که روحیه ی پهلوانی و جوانمردی دارند. این نوع جامعیت رفتاری برای یک قهرمان، واقعا شایسته تر از یک بعدی بودن است. الان از محیط های ورزشی قهرمانی دور هستم و ممکن است اسم بردن از یکی، باعث ظلم به دیگران بشود. ولی با آن ویژگی ها، فکر می کنم مردم خودشان قهرمانشان را پیدا می کنند، می شناسند و به آن ها احترام می گذارند.

- جایگاه ورزش ایران را در جهان چگونه ارزیابی می کنید؟

ورزش ایران الان بیش تر هیجانی پیش می رود تا عقلایی. به تعبیر دیگر، برنامه ریزی ها استمرار ندارند.

در سال
۱۳۵۵ در
تهران، اگر
دانش آموزان
می خواستند
در فضاهای
ورزشی فقط
بایستند، به
اندازه ی
سطح کف
پاهایشان
فضا نداشتیم



**وظیفه‌ی مهم
معلمان آن
است که به
تعهدات
شغلی‌شان
خیلی پایبند
باشند**

موفقیت‌های ما بیش‌تر لحظه‌هایی در تاریخ هستند. این لحظه‌ها را ما بسترسازی نمی‌کنیم که استمرار داشته باشند. ورزش باید در دوران تحصیل آموزش داده شود و لازم است برای افراد فرصت‌های عملی فراهم شود تا بتوانند، در اوقات فراغتشان به راحتی به امکانات ورزشی دسترسی پیدا کنند. اگر احتمالاً در سید اقتصادی خانواده‌ها سهمی برای ورزش پیش‌بینی نشده است، دولت و شهرداری‌ها کمک کنند تا هیچ فردی از فعالیت‌های ورزشی محروم نشود.



● به لطف خداوند واقعاً فرصت خوبی داشته‌ام که به عنوان اولین ایرانی، موفق به دریافت درجه‌ی دکترا (PhD) در تربیت‌بدنی و علوم ورزشی شده‌ام. امیدوارم بتوانم به کشورم خدمت کنم و این فرصت بسیار مغتنمی است. در شروع کار، ما فقط در دانشسرای عالی یا دانشگاه تربیت معلم فعلی این رشته را داشتیم که به حمدالله به تدریج این رشته جایگاه خود را بین علوم دانشگاهی پیدا کرده است و امروز شاهدیم که در بیش‌تر دانشگاه‌های دولتی و حتی دانشگاه آزاد اسلامی، رشته‌ی تربیت‌بدنی، نه

تنها شناخته شده است، بلکه در دوره‌های گوناگون تحصیلی کارشناس، کارشناسی ارشد و دکترا دانشجویان دارند. خوشبختانه نیروهایی که تربیت شده‌اند، توانسته‌اند رسالت شغلی خود را به خوبی ایفا کنند؛ به طوری که اکنون این رشته در افکار عمومی، به عنوان یک رشته‌ی مهم دانشگاهی که می‌تواند در زندگی انسان تأثیر داشته باشد، شناخته شده است.

آینده‌ی رشته‌ی تربیت‌بدنی و علوم ورزشی را در ایران چگونه می‌بینید؟

آینده‌ی این رشته بسیار روشن و امیدوارکننده است. ما در گذشته کم‌تر می‌دیدیم که پزشکان به بیماران خود انجام فعالیت‌بدنی را توصیه کنند، اما امروزه ضرورت کاربرد فعالیت‌های بدنی، هم در زمینه‌ی پیشگیری و هم در درمان ناهنجاری‌ها و بیماری‌ها، برای تحصیل‌کردگان و متخصصان رشته‌های پزشکی محرز شده است. از طرف دیگر، الان علوم ورزشی به اندازه‌ای گسترده شده‌اند که شاید متجاوز از سی گروه محقق در رشته‌های گوناگون علوم ورزشی به طور فعال مشغول تحقیق هستند. در نتیجه، فاصله‌ای که در گذشته بین علوم ورزشی و علوم پزشکی بود، با ارائه مفاهیم و نظریه‌های گوناگون در خصوص پزشکی ورزشی، خیلی کاهش یافته است. البته این فقط یک بعد از کاربرد علوم ورزشی است و علوم ورزشی، خدمات گسترده‌تری را می‌تواند به جامعه ارائه کند.

نظرتان درباره‌ی ورزش دختران چیست؟

ورزش دختران دچار یک سلسله محدودیت‌هایی است که با استانداردهای حاکم بر ورزش به عنوان یک پدیده‌ی بین‌المللی مغایرت دارد. بنابراین، باید ورزش دختران را به روز کرد و با رعایت موازین شرعی و اعتقادی که وجود دارد، مسابقات را توسعه داد. من فکر می‌کنم که هیچ نوع منع و مشکلی برای فعالیت ورزشی دختران نباشد، مگر این که ما خودمان خودسانسوری کنیم و یا جو حاکم بر جامعه، ذهنیت‌هایی را به دختران بدهد که خودسانسوری کنند. وگرنه، زن و مرد از حقوق مسابقت برخوردارند و طبیعتاً ورزش کردن و فعالیت‌های ورزشی، حق همه‌ی آحاد جامعه است.

در مورد دانش‌آموزان ورزش کار گفته می‌شود که از فرصت‌های تحصیلی عقب می‌مانند. به آنان توصیه می‌کنم که با برنامه‌ریزی، تحصیلاتشان را با جدیت هر چه تمام‌تر بگذرانند، جزو سرآمدهای کلاس هایشان باشند و از ورزش به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به آموزش عالی استفاده کنند.

از این که اولین ایرانی هستید که موفق به دریافت دکترا در تربیت‌بدنی و علوم ورزشی شده‌اید، چه احساسی دارید؟





**ورزش ایران
الان بیش تر
هیجانی پیش
می رود تا
عقلایی**

به مردم آماده سازند. از طرف دیگر، به خصوص همه تلاش کنیم تا در تولید علم در این رشته، سهم کشور را بالا ببریم؛ به طوری که انشاءالله روزی جزو کشورهای باشیم که تولیدکننده ی علم در علوم ورزشی هستند، نه مصرف کننده ی آن.

برای دانش آموزان ورزشکار چه پیامی دارید؟
خوشبختانه الان پای دانش آموزان قهرمان به رشته های گوناگون دانشگاهی باز شده است. حالا اگر در حد گسترده نیست، حداقل به رشته ی تربیت بدنی علاقه مند شده اند. بد نیست که پیش بینی شود، برحسب علاقه و استعدادشان در رشته های دانشگاهی به تحصیل ادامه دهند.

برای مربیان ورزش چه پیامی دارید؟
مربیان همه افرادی فرهیخته و تحصیلکرده هستند. آنچه که من می توانم به مربیان، به عنوان متولی این درس، بگویم این است که باید به تعهدات شغلی شان خیلی پایبند باشند. وظایفی را که برعهده دارند، در سخت ترین شرایط پیگیری کنند و بکشند که تخصص لازم را در رشته ی خود کسب کنند و به اولیای آموزش و پرورش و به خانواده ها ثابت کنند که این شغل مبتنی بر تخصص است.

در خاتمه چنانچه نکته ی خاصی به نظر آن می رسد، بیان فرمایید.

با توجه به این که ما در محیط آموزش و پرورش فضاهای ورزشی مناسب نداریم، اولیا و برنامه ریزان تربیت بدنی در آموزش و پرورش، راهنمایی های لازم را به دانش آموزان ارائه دهند تا آن ها توسعه ی فعالیت های ورزشی را به صورت تکلیف دنبال کنند. ببینید، ممکن است مدرسه یا دبستانی استخر یا سالن ورزش نداشته باشد، ولی می تواند بگوید که برای رفتن از پایه ی اول به پایه ی دوم، شما باید به این استانداردهای حرکتی برسید. یعنی در کنار کارنامه ی آموزشی، یک کارنامه ی تندرستی و ورزشی هم شکل بگیرد و در آن، حداقل هایی که برای سلامتی فرد لازم است، پیش بینی و در نظر گرفته شود. ضمناً، نگاهی نیز به استعدادیابی داشته باشند و در آن کارنامه، استعدادهای دانش آموزان ثبت شود تا آن ها برحسب علاقه و توانایی هایشان در زمینه ی فعالیت های ورزشی، قهرمانی شان را دنبال کنند.

اخیراً قهرمانان ورزشی بدون کنکور، در تربیت بدنی به تحصیل می پردازند. آیا چنین رویکردی آن هم در دوره های تحصیلات تکمیلی، از لحاظ علمی به این رشته لطمه نمی زند؟

اعطای درجه ی علمی دانشگاهی به قهرمانان، آن هم درجه ی تحصیلی که شرایط ورود ویژه ای دارد و فرد باید دوره های خاصی را با موفقیت بگذراند، خالی از اشکال نیست. اما به هر جهت، از تجربه هایی که قهرمانان ورزشی طی سال ها در بخش عملی ورزش کسب کرده اند، می توان استفاده کرد. آن ها می توانند در رشته های خاص خودشان مربی باشند. قطعاً اگر این افراد با اصول گوناگون علمی مربیگری و ورزشی در رشته ی خود آشنا شوند، در آینده مفیدتر خواهند بود و می توانند، مربیان بهتر و شایسته تری شوند. ولی این که قهرمانان صرفاً به دانشگاه بیایند و در یک سطح خیلی پائین تر از دانشجویان باشند و بخواهند به هر قیمت به دریافت درجه ی علمی دانشگاهی نائل شوند، من فکر می کنم که تا حدی باعث نزول کیفیت آموزش در این رشته شود.

به عنوان نفر اول تربیت بدنی و علوم ورزشی، چه توصیه ای برای دانشجویانی دارید که قصد دارند، در دوره های تحصیلی بالاتر ادامه ی تحصیل بدهند و به پژوهش بپردازند؟

من کوچک تر از آن هستم که برای این عزیزان صحبت و پیامی داشته باشم. لیکن اعتقاد دارم، دانشجویانی که در دوره های تحصیلات تکمیلی تحصیل می کنند، نباید به مطالبی که احتمالاً در کتاب ها آمده است اکتفا کنند و به همان ها قانع شوند. باید ذهن خلاق داشته باشند، خیلی پرسش گر باشند و در واقع، آرامش نداشته باشند تا این که جواب سؤالات خود را درخصوص علوم گوناگون ورزشی به صورت علمی به دست بیاورند. این کار ایجاب می کند که دانشجویان دائماً دغدغه های ذهنی علمی داشته باشند. به ویژه ما می دانیم، بالاخره دانشجو در کارشناسی ارشد و دکترا موظف است، پایان نامه و رساله بنویسد و برای ورود به بخش پژوهشی کار خود، به نکته سنجی، و دقت و باریک بینی علمی نیاز دارد.

من آرزو می کنم، همه ی دوستانی که در این کسوت وارد می شوند، رسالت این شغل را به خوبی احساس کنند و خودشان را از لحاظ علمی، عقیدتی و فلسفی برای خدمت